

افاده در بعضی از آبادان خیار این کار -
در سده و ستم مالکیت آن صادر و در
مقامات برای استیفاء طلب آگاهی فر
انوارت اصلاحی این در مقابل مبلغ ۳۰
و هر یک از این و حقوق دیوانی در ر
ایستاد این اظهار در شعبه و اجرای ثبت آباد
در روز مقرر در محل تعیین شده حاضر
بیت برادران طلب بستانکار بعهده خریدار
نوروز معتمد علش می شود -

کیمی مزایده
۱۳۰۱/۱۲/۲۶
شماره یک کتاب عبارت از ۱۰۰۰
۱۰۰۰ شماره ۱۳۲۶۹۱ مفروض از جوت
۱۰۰۰ شماره ۱۰۰۰ مقابل کارخانه کاروان
۱۰۰۰ آقای ایضاً حضرت جعفری که
۱۰۰۰ تاریخ ۱۳۲۶/۱۲/۲۶ ساعت ۲
ایده روزگاری میشود و اما اینها و

۱۲
شماره ۱۱۲۷۹ فروردین
شماره ۱ کوچه مقابل کارخانه الواربر
لکمی آقای علی حسن جعفری که
در تاریخ ۱۳۶۸/۸/۲۶ ساعت ۴
ایده فروخته میشود و این اعلان

تاترستان

گاه و امراض زنانه - امراض داخلی - حلق
همچنین دایر و از مرضا پله راتی میباشد
معالجه و بستری میشود پزشک نگهبان
مرض حاضر است.
۱۱۰۰۲۷
نهران حیوان شاه

مناقصه جهت اداءه پیمان نامه خریداری
در وقت اداری روز ۳۰-۳۱ شهریور ماه ۱۳۲۷
در محل مناقضات درجه روز پنجشنبه ۱۳۲۸
در محل مناقضات خریه و مناقضات اول و باز
در محل مناقضات مختار بوده و حاضر مناقضات
در وقت
اداره کل کارپردازی دارائی

خانه جددایرون

ایلی وایر : به و هر دو یار
 روس : نظار داشتند هیچ اشکالی
 بهنو است : بینهاد نباید حسن لای
 بودجه : بموان ماده المانیه ذکر است
 افای وایس - افای افارو
 وزیر فرمست سزا

ماده اول خوانده و عصب
به سید هم مر آن گریه چون
نبرد تصور شد.

کرامی زده کی کتونو مقضی بود
چراغ اشعاس را پردالز ولی متا
می بینم باز هم در این ماده متظور

این چه معنی دارد که ما چلای
و حق اشخاص را بگیریم ، حضور
می تواند چنین کاری بکند این را می
گویند

۴۱
دوم - نشر معنی مشروطه
در میان نومه و آماده گردانیدن
مردم برای آن

شور و در یک مجلس بشورایب و آنگاه
و میان دواب و توده یک قانونی حکم
و باقی از آن مشروطه پیش از این
نمی‌بیند و تبعیض است. دیگر پیشروان
از چپ می‌بودند و است چون می‌خواستند
روحه را به عیسی ستایش از سوده‌های
شور و سخن میراند و آن «وایم
دوری بنیم» به دلیل یاد می‌کردند. هم
پس می‌جاءان که آنهم جالب‌ترین دروا
مشروطه بودند. بیه آن‌ها می‌نویست
تا آن‌گاه می‌بود و آن‌ها غبار دروا
«دادگری» بود (هدایت) و باوژی
مرای کشور و نوامی بود و گمر
مشروطه را یعنی سر رشته داری توده
شاهانه.

این یکی از دروازه گویای ایرانیان
 که هر چیزی را که می دوازند و یا
 می گران ، میگردانند ، درست آن
 می برند ، و یا به معنی تازیانی از
 پس میگردانند ، برای مثل تربیت ،
 ان احسن ، ادیب ، عقل را پند میگویم
 هر یکی از اینها را بگیرند و از مردم
 بخواهند ، بر شوخی بکشد ، خواهد دید
 آن روشنی از آن می آید ، مثلا
 بر میزد ، تربیت میگوید ، خواهی دید
 چه بداند ، تربیت دیکو ، تربیت هم

ر شما رفع کردیم موری از اوهشی
خارج خواهم شد . اینک ماضی دارم
مست خواهم و ماضی خویش و مفاید
مرا سر را در نظر گیرید و هر اندازه
باید باما گفت کنید .

معدن آلمان ها در اوامی
نداشتن نیروی متفقین از مرز
های این کشور
پس از ادامه شدن امر بکلیات در

معه آن کتاب که شما جاک جوانگیر گذاشته، بلکه همه حوادث را
بیشمار و زبانی و بدست (میتاور) ایوان (خورش) هندوستان
دانی و خورش حاکم هندوستان هم شروع شده و روز بروز خواهد
رفت و خورش حاکم آن تمام از دست و کارهای بدین تغییر است

چند دروغهای رسوائی را برشته نوشتن گشوده رضا شاه داریان
ی قزاقانی خود و گوشش بجرایم پادشاهی وسیده و کار
و نفلان دروغش بر شاه و ملت می گوید آن را من پادشاهی
دروغ بک می شنیدم و در آن آنکه شایده اندازد صوابی بک
دریاست بشک گمراهیست که گرفتارانش بایست اندازد بیزدی می
روشن گشای می شود می گوید: دروغت را از میوه آتش باید شناخت
بگری و که این دروغ بانی ها و اکراف گویی ها است بیبند و بیبند

ستوار این حال خود ابرایان است حقه یا آنکه هزاران سید و ملا
و سیه و جادوگر و روضه خوان دارند و وجه فخر در این جا و آن
ست و نه و صندوق چهارم در کرامات ، مولی الوری و مظهر عبادگی
ای از لادن چشمتان باین سر زمین باز است ، ایضا در پوست تریز
درنگی میکنند و این سوغیه یعنی ایشان است که درگاهیک از آسمان
رو دیده دچار کرمشکی شده اند و در تویی فلاکت دست و پا بر نه
آید و این مثل می افتد : از شتر بر سینه تیر کجایی این آفت
نه از پایانی کن آلوده شده است .

م فرانسه از طرف
آلمان و ایتالیا
و شش نیروی آمریکایی
افریقای فرانسه نیروی
زوجهارتبه ششم آلمان

[illegible]

موانع گاه گرامی از
تقنین دو یاردار افریقای
ریده والا بیت آسان
فرانسه اکباد شوم

آنها را که او را می‌شناسد می‌داند که
کجا پیش سوخته ناسور من گذارم و دو
ساعت آب آبی کسوری، در شام ده
ساعت و نیم تا چهار ساعت واضا در دوش
نکته‌ای است. ایچاره اگر گتارای بریم
بدره بایقان دوش سوخته ولی بجای
آنکه از آب در دهان و یا سسای
کوبیده شده که در دهان است.

[illegible]

بیدارستان رضانور

مرویس جراحی - زائشگاه و امراض زنان - امراض داخلی - ملق دوش
و ایلی امراض چشم است نظر متعصبین دایر و از مرخصی با برای مبتلایان
بی ضابطه نیز گدایان اسباب حیوانه و ماهی و بستر می شود پزشک که آن بیمارستان
موقع شب قبل از برای مراجعت مرخص حاضر است. ۱۹۶۶-۱۹۶۷

رگی است که در افریقا ما گهان نصیب
انسان گردیده و در همین حال مطمئن از
دور مقصود و هدف مینازد و از پیشروی
و شک قهرمانه و اشغال تمام آن است

